

# دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان جلسه ۱۹، آخرین داوری، اهداف شرایط، وضعیت ابدی، مجازات ابدی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱۹ است، داوری نهایی، اهداف، شرایط، وضعیت ابدی، مجازات ابدی.

ما به مطالعه خود در مورد آخرالزمان، به ویژه داوری نهایی، ادامه می‌دهیم.

با مشخص شدن اینکه زمان وقوع آن در پایان عصر، پس از بازگشت مسیح، پس از رستاخیز و قبل از آسمان‌ها و زمین جدید است، بحث در مورد اهداف داوری نهایی را آغاز کردیم. هدف اصلی، نه با انسان‌ها بلکه با خداست. هدف اصلی، نمایش داوری نهایی است.

هدف اصلی داوری نهایی، نمایش حاکمیت، عدالت، قدرت، حقیقت، تقدس و جلال خداست. هدف ثانویه همانطور که باید بگوییم، این است که چه به صورت سلبی و چه به صورت ایجابی، تعیین نمی‌کند چه کسی نجات خواهد یافت و چه کسی هلاک خواهد شد. این امر قبل از مرگ تعیین می‌شود.

یوحنا ۳:۱۶ تا ۱۸، زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان یابد. زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه تا جهان به وسیله او نجات یابد. یوحنا ۳:۱۷ تا ۱۸، هر که به او ایمان آورد، از همین حالا محکوم نشده است.

هر که به او ایمان نیاورد، از همین حالا محکوم است، زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. هدف اصلی مربوط به جلال خداست. هدف ثانویه تعیین سرنوشت‌های ابدی نیست، بلکه تعیین سرنوشت‌های ابدی است.

ما این را بارها در یوحنا ۵:۲۷ تا ۲۹ دیده‌ایم. ساعتی فرا می‌رسد که در آن همه کسانی که در قبرهای خود هستند، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد. رستاخیزی رخ خواهد داد.

آنان که نیکی کرده‌اند برای رستاخیز حیات، آنان که بدی کرده‌اند برای رستاخیز داوری، یا به متی ۲۵: گوسفندان و بزها، به آنان که در دست راست او هستند، پادشاه چوپان بازگشته، عیسی خواهد گفت: «بیایید، ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته‌اید. پادشاهی‌ای را که پیش از آفرینش جهان برای شما آماده شده است، بپذیرید.» به آنان که در دست چپ او هستند، خواهد گفت: «از من دور شوید، ای ملعونان، به آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگانش آماده شده است.»

هدف اصلی داوری نهایی، جلال خداست. هدف دوم تعیین سرنوشت‌های ابدی نیست، بلکه تعیین آنهاست و سپس سوم، هدف سوم داوری نهایی، تعیین درجات مجازات است، انجیلی‌ها موافقند، و پاداش‌ها کمی اختلاف نظر وجود دارد.

به چند قسمت می‌پردازم. به چند قسمت می‌پردازم. اولاً، درجات مجازات معنا پیدا می‌کنند.

زیرا اگرچه عذاب جهنم ابدی است، اما مدت آن یکسان است؛ شدت داوری آن بسته به گناهکاری سبک زندگی فرد متفاوت است. و این منطقی است. برخی تصور کرده‌اند که پاداش‌ها مانع فیض می‌شوند و فیض را بد جلوه می‌دهند.

و بنابراین بهترین کاری که یک دوست تحصیل کرده‌ی من می‌تواند انجام دهد این است که بگوید، بله، قطعاً، پاداش‌هایی وجود دارد. اما به ما تاج داده می‌شود، و سپس ما آنها را مستقیماً به پادشاه برمی‌گردانیم. خوب، همه اینها برای جلال خداست.

اما به نظر من نه تنها مجازات درجات مختلفی دارد، بلکه پاداش هم درجات مختلفی دارد. لوقا ۱۶:۱۹ و ۱۷. من خیلی سریع سعی می‌کنم به برخی از این نکات اشاره کنم.

لوقا فصل ۱۶:۱۹، ۱۷ و ۱۹، مثل ده مینا. خداوند، مینا تو ده مینا بیشتر کرده است. آفرین، ای بنده خوب و امین، ای بنده خوب.

لوقا ۱۷:۱۹، چون در امور بسیار کوچک امین بودی، بر ده شهر حکومت خواهی کرد. پاداش او عظیم است. دومی می‌گوید: ای خداوند، سکه تو پنج سکه سود کرده است.

و استاد گفت که تو باید بر ۵ شهر مسلط باشی. به نظر من درجه‌ای از استعدادها و مسئولیت‌ها با پاداش‌های مختلف متناسب است. گوش کن، عضوی از پادشاهی بودن بزرگترین پاداش ممکن است.

این‌یه جورایی علاوه بر اونه. آیا از نظر مسئولیت‌ها در زمین جدید، به معنای واقعی کلمه درسته؟ نمی‌دونم. شاید هم همینطور باشه. پروردگارا، بفرمایید مینای شما.

آن را توی دستمال گذاشتم. ترسیدم چون تو مرد سختگیری هستی. او دارد از خدا، از ارباب، ایراد می‌گیرد.

آنچه را که نکاشته‌ای، برمی‌داری و آنچه را که نکاشته‌ای، درو می‌کنی. ای بنده‌ی شرور، تو را با سخنان خودت محکوم خواهیم کرد. و او را تبعید می‌کند تا آنها را در برابر من ذبح کند.

خوب به نظر نمی‌رسد. انگار محکوم شده، قضاوت شده. در واقع، پاداشش را از او گرفته‌اند و به کسی داده‌اند که ده تا داشته.

بنابراین، به نظر من اینطور به نظر می‌رسد که منظور درجات مجازات نیست، بلکه درجات پاداش است. پولس به ریاکاران می‌گوید: رومیان ۲:۵، شما برای خودتان غضب ذخیره می‌کنید. شما غضب را ذخیره می‌کنید.

به نظر می‌رسد که درجات مجازات وجود دارد. به نظر می‌رسد لوقا ۱۲ هر دو را دارد. لوقا ۴۷:۱۲ و ۴۸.

عیسی در مورد آمادگی، مثالی گفت که دیدیم هدف اصلی آیات داوری آخر، قطعاً در اناجیل، همین بوده است. لوقا ۱۲، ارباب آن غلام، در روزی که انتظارش را ندارد، خواهد آمد و در ساعتی که نمی‌داند، او را تکه‌تکه خواهد کرد و با بی‌وفان خواهد گذاشت. و آن غلام، آن غلام، خواست اربابش را می‌دانست.

بنده‌ای که خواست اربابش را می‌دانست اما آماده نشد یا مطابق آن عمل نکرد، تنبیه سختی خواهد شد. اما کسی که نمی‌دانست و کاری را که شایسته تنبیه بود انجام داد، تنبیه سبکی خواهد شد. آیا این یک درجه مجازات نیست؟ می‌دانم که این یک تمثیل است، اما به نظر می‌رسد نکته تمثیل، درجات مجازات باشد.

ضرب و شتم شدید، ضرب و شتم سبک. متی ۱۱:۲۲ و ۲۴. متی ۱۱:۲۲

در روز داوری، تحمل مجازات برای سدوم و عموره آسان‌تر از شما ای صور و صیدون خواهد بود. تحمل مجازات برای سرزمین سدوم آسان‌تر از شما ای کفرناحوم خواهد بود. این قطعاً نوعی مجازات است

اول قرن‌تینان ۳: ۱۲ تا ۱۵ آخرین بخش ماست. در این زمینه، کسانی که بنا می‌کنند، به نظر می‌رسد بزرگان، رهبران کلیسا هستند. پولس از دو تصویر استفاده می‌کند، یکی از آنها تصویر باغبانی است

او می‌کارد و دیگران بر روی کلیسای او، یعنی شالوده‌اش، بنا می‌کنند. متاسفم، گیاهان و دیگران تصویری از یک ساختمان را پرورش می‌دهند. او شالوده می‌ریزد و دیگران بر روی شالوده او بنا می‌کنند

در متن اینجا، اگر کسی بنایی بسازد، به نظر می‌رسد که منظور بزرگان کلیسا هستند، به خصوص با توجه به تفسیر؛ کاربرد به هر مؤمنی اشاره دارد. اگر کسی بر روی پایه با طلا، نقره، سنگ‌های قیمتی، چوب، علف خشک و گاه بنایی بسازد، هر یک از آنها آشکار خواهد شد و روز قیامت آن را آشکار خواهد کرد. روزی که آن می‌سازند، که از روز آخر صحبت می‌کند DESV را با حرف بزرگ

زیرا این [حقیقت] با آتش آشکار خواهد شد، و آتش نوع کار هر کس را خواهد آزمود. اگر کاری که هر کس بر روی پایه بنا کرده است، پابرجا بماند، پاداش خواهد گرفت. به نظر می‌رسد که وفاداری همان چیزی است که در جریان است

وفاداری پاداش دارد. اگر کار کسی بسوزد، پاداش خود را از دست خواهد داد، هرچند خود نجات خواهد یافت، اما فقط مانند کسی که از میان آتش گذشته باشد

هر دو نجات می‌یابند. پیر وفادار پاداش خواهد گرفت و دیگری پاداش خود را از دست خواهد داد

بنابراین، به نظر من، مهمترین هدف داوری نهایی این است که خدا در داوری هر فرد جلال یابد. با این حال این به معنای قطع کردن رشته عصبی بشارت، شهادت انجیل، برنامه‌ریزی کلیسا و مأموریت‌ها نیست، زیرا خدا گناهکاران را دوست دارد

او فرمان می‌دهد که انجیل به تمام جهان برسد. او انجیل را به رایگان عرضه می‌کند. و با این حال، خدا ضرر نخواهد کرد

او در سرنوشت هر انسانی جلال خواهد یافت. ثانیاً، داوری نهایی سرنوشت‌ها را تعیین نمی‌کند، بلکه آنها را تعیین می‌کند. ثالثاً، درجات مشخصی از مجازات متناسب با عدالت خداوند وجود دارد

ظاهراً، مجازات نیز درجاتی دارد. پاداش وفاداری مؤمنان. شرایط قیامت

خدا داور خواهد بود. تقریباً در نیمی از آیات، این پدر است. اول پطرس ۱:۷، اگر شما به عنوان پدر، کسی را که بر اساس اعمال هر کس داوری می‌کند، خطاب می‌کنید، در طول دوران تبعید خود با ترس رفتار کنید، زیرا می‌دانید که توسط مسیح نجات یافته‌اید

پدر قاضی است. ضمناً، ما قصد نداریم به رومیان ۱۰:۱۴ برگردیم. به نظر من، پسر هم قاضی است

نیمی از متون. متی ۲۵، گوسفندان و بزها. عیسی پادشاه سرنوشت ابدی را تعیین می‌کند

متی ۱۶:۲۷. زیرا پسر انسان به همراه فرشتگانش در جلال پدرش خواهد آمد. سپس، به هر کس مطابق اعمالش جزا خواهد داد. پسر جزا خواهد داد.

پسر، داور است. ما همین را در یوحنا ۵:۲۸-۲۹ دیدیم. با صدای پسر انسان، کسانی که در قبرهایشان هستند برای رستاخیز، یا برای زندگی یا برای داوری، بیرون خواهند آمد. اعمال رسولان ۱۰:۴۲ در این زمینه مهم است.

پطرس می‌گوید، خدا به ما فرمان داد که به مردم موعظه کنیم و شهادت دهیم که او همان کسی است که خدا را به عنوان داور زندگان و مردگان منصوب کرده است. خدا را به عنوان داور زندگان از جانب خدا منصوب کرده است. همه انبیاء بر او شهادت می‌دهند.

و هر که به او ایمان آورد، به واسطه نام او بخشش گناهان را دریافت می‌کند. او پسر است. او پسر است.

به همین ترتیب، ۱۷:۳۱. خدا روزی را تعیین کرده است که در آن جهان را به عدالت توسط مردی که خود منصوب کرده است، داوری خواهد کرد. و از این امر، با برخیزانیدن او از مردگان، به همه اطمینان داده است. داور، پدر است.

قاضی پسر است. آیا قاضی هرگز به صراحت روح القدس است؟ خیر. و بنابراین من می‌گویم، بنابراین اگر از من به عنوان یک الهیدان سیستماتیک سؤالی پرسیده شود، قاضی در روز آخر کیست؟ من می‌گویم که کتاب مقدس حدود نیمی از آیات را به پدر، نیمی را به پسر و هرگز به روح القدس نسبت می‌دهد.

اما از آنجایی که خدای واحد از سه شخص جدایی‌ناپذیر است، به نظر من تثلیث مقدس، به ویژه پدر و پسر داور روز واپسین است. من به طور خاص اشاره می‌کنم که کتاب مقدس هرگز این داوری را به روح نسبت نمی‌دهد، بنابراین یک پایه کتاب مقدسی، دقیق و تفسیری را در الهیات خود حفظ می‌کنم. اما در این صورت گامی برمی‌دارم و آن را به عنوان نظام‌مندسازی، از جمله روح القدس، معرفی می‌کنم.

نزدیک‌ترین چیزی که داریم، یوحنا ۱۶ است. او جهان را به گناه، عدالت و داوری محکوم خواهد کرد. این آخرین داوری نیست.

با این حال، این نشان دهنده‌ی کار محکوم‌کننده‌ی روح است. چه کسی داوری خواهد شد؟ فرشتگان و همه انسان‌ها. فرشتگان.

آیه‌ای گیج‌کننده. اول قرن‌تین ۲:۶ و ۳. قرن‌تین یکدیگر را به دادگاه می‌کشند، برادر علیه برادر، و پولس ناراحت است. آیا در میان خود بزرگانی ندارید که بتوانند به عنوان قاضی خدمت کنند؟ شما نزد کافران می‌روید.

مشکلت چیه؟ مگه نمی‌دونی که ما فرشتگان رو داوری خواهیم کرد؟ اول قرن‌تین ۲:۶ و ۳. این دیگه چه معنی‌ای داره؟ سال‌ها این چیزها رو تدریس کردم و بهش فکر کردم، بهترین کاری که از دستم برمی‌اد اینه که بگم، نمی‌دونم، اما شاید به داوری خدا آمین بگیم. و بعد، یهو دیدم که به تفسیر مورد علاقه‌ام از اول قرن‌تین نوشته‌ی چامپا و روزنر نگاه کردم و دیدم که همون رو می‌گن. خیلی خوشحال شدم.

آیا نمی‌دانی که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ ما جهان را داوری خواهیم کرد. دوم پطرس ۲:۴ می‌گوید که خدا فرشتگان شریر را محکوم می‌کند. او فرشتگان را وقتی گناه کردند، امان نداد، بلکه آنها را به جهنم انداخت و به زنجیرهای تاریکی سپرد تا تا زمان داوری در آنجا نگه داشته شوند.

یهودا ۶ نیز مشابه است. متی ۲۵:۴۱، عیسی پادشاه در برابر گوسفندان و بزها می‌گوید، از من دور شوید، ای کسانی که در آتش ابدی نفرین شده‌اید و برای شیطان و فرشتگانش آماده شده‌اید. شیطان نیز یک فرشته رانده شده است.

او و شیاطینش، با فرض اینکه شیاطین همان فرشتگان سقوط کرده هستند، به جهنم محکوم خواهند شد. مکاشفه 20:10 می‌گوید که شیاطینی که آنها را فریب داد، به دریاچه آتش انداخته شد، جایی که وحش و پیامبر دروغین هستند، و آنها، در جمع خود، روز و شب تا ابد عذاب خواهند کشید. فرشتگان داوری خواهند شد.

همه انسان‌ها داوری خواهند شد. رومیان ۲:۵ و ۶، ما این را بارها خوانده‌ایم: ریاکاران برای خود داوری ذخیره می‌کنند. آیه ۶، خداوند به هر کس بر اساس اعمالش جزا خواهد داد.

به کسانی که با صبر و نیکوکاری، در پی جلال، افتخار و جاودانگی هستند، حیات جاودان خواهد بخشید. این رستگاری از طریق اعمال نیست؛ بلکه داوری از طریق اعمال است. اما برای کسانی که خودخواه هستند و از حقیقت اطاعت نمی‌کنند، بلکه از ناراستی اطاعت می‌کنند، خشم و غضب خواهد بود.

سپس خدا آن را برعکس می‌کند. الف، ب، و سپس ب پرایم، الف پرایم. برای هر انسانی که بدی کند مصیبت و پریشانی خواهد بود، اول یهودی، و همچنین یونانی، اما جلال و آرامش برای هر کسی که نیکی کند، اول یهودی، و همچنین یونانی.

زیرا خدا هیچ جانبداری نشان نمی‌دهد. من تفسیر دیگری را می‌پذیرم، تفسیر داگ موس، که می‌گوید این فرضی است، و با این حال توماس شرایر، سی.ای.بی. کرانفیلد، و اکثر مفسران در نهایت خواهند گفت، نه، صحبت از توجیه نیست، بلکه تقدیس است. و وقتی خدا کسی را نجات می‌دهد، صرفاً به او تیره از آنچه در روز قیامت حقیقت خواهد داشت، نمی‌دهد.

عادل شمردگی بسیار مهم است، اما او روح خود را به آنها می‌دهد و کارهای نیک، عشق و غیره را در آنها ایجاد می‌کند و با تقدیس مداوم، واقعیت عادل شمردگی آنها را نشان می‌دهد. در هر صورت، همه انسان‌ها داوری خواهند شد.

رومیان ۳ و آیه ۶، پولس را به موعظه فیض بیش از حد متهم می‌کنند. این منجر به صدور مجوز می‌شود. پولس خیلی عصبانی است.

به هیچ وجه خدا ظالم نیست که خشم را نازل کند. این برای پولس غیرقابل تصور است. به هیچ وجه، زیرا پس چگونه خدا می‌تواند جهان را داوری کند؟ این یک امر بدیهی است.

این تا حد زیادی پیش‌فرض اندیشه اوست؛ او می‌تواند بگوید، البته، خدا قرار است جهان را داوری کند، و این نشان می‌دهد که او گناه را به طور عادلانه مجازات خواهد کرد. او ظالم نیست که خشم خود را اعمال کند. زیرا همه ما می‌دانیم که او جهان را داوری خواهد کرد.

این دنیای گناهکاران در مکاشفه ۲۰:۱۲ و ۱۳ است که به آن باز خواهیم گشت، و همه انسان‌ها، بزرگ و کوچک، در برابر خدا در تخت سفید بزرگ هستند. داور کیست؟ گاهی پدر، گاهی پسر. به نظر من، یک صورت‌بندی سیستماتیک، تئلیث است.

چه کسی داوری می‌شود؟ فرشتگان شریر، انسان‌های شریر. مبنای داوری چیست؟ اگر بخواهیم همانطور که کتاب مقدس معمولاً انجام می‌دهد، از خلاصه‌نویسی استفاده کنیم، اعمال، کردار، آشکارکننده‌ی آنچه در قلب است. خلاصه‌نویسی، افکار، گفتار، کردار.

اول قرن‌تین ۴:۵. من به الهیات تفسیری، هر کجا که منجر شود، متعهد هستم. اگر این یا آن چیز مرا تغییر می‌دهد، باشد. اگر چیزهای دیگر را تغییر می‌دهد، برای من اشکالی ندارد.

در نهایت، من ترجیح می‌دهم کتاب مقدسی باشم تا الهیاتی. منظور آن این است که در سیستم خود موضوعات نامشخص را رها می‌کنید؟ بله. شما تناقضات، تضادهای آشکار و پارادوکس‌ها را رها می‌کنید.

من با تناقضات واقعی موافق نیستم، اما بله، ترجیح می‌دهم کتاب مقدسی باشم تا الهیاتی. آیا واقعاً می‌خواهم کتاب مقدس را با سیستم خودم تطبیق دهم؟ نه. و اذعان می‌کنم که کتاب مقدس یک کتاب الهیات سیستماتیک نیست؛ یک کتاب داستان است، داستان خداست، اما او در طول مسیر الهیات زیادی را آموزش می‌دهد و ما می‌توانیم بیشتر آن را کنار هم قرار دهیم.

نکته دیگر این است که، همانطور که کالوین می‌گوید، وقتی خدا دهان مقدس خود را باز می‌کند، یعنی وقتی او در کتاب مقدس صحبت می‌کند، ما به آن ایمان می‌آوریم، آن را می‌پذیریم، از آن اطاعت می‌کنیم، حتی اگر آن را دوست داشته باشیم یا نه. می‌توانم چند آموزه را به شما ارائه دهم که مورد علاقه من نیستند. گناه اولیه، تقدیر مضاعف و مجازات ابدی سه مورد برتر هستند.

آیا من آنها را باور می‌کنم؟ بله، درست فهمیده‌ام، زیرا شکی ندارم که کتاب مقدس آنها را تعلیم می‌دهد. در هر صورت، در اول قرن‌تین ۴:۵، پولس در مورد خدمت خود می‌گوید: «قبل از آمدن خداوند، که چیزهایی را که اکنون در تاریکی پنهان شده‌اند، روشن خواهد کرد و نیت قلب را آشکار خواهد ساخت، داوری نکنید.» آنگاه هر کس از جانب خدا مورد تقدیر قرار خواهد گرفت.

انگیزه‌ها و مقاصد قلب آشکار خواهند شد. آیا تا به حال این اتفاق برای شما افتاده است؟ اخیراً دوباره برای من اتفاق افتاد. من در مورد کسی افکار بدی دارم. خیلی خوشحالم که چیزی نگفتم و بعد متوجه ماجرا شدم.

من کاملاً در اشتباه بودم. آنها نه حيله‌گری می‌کردند و نه دروغ می‌گفتند. من فقط درک بسیار ناقصی از موقعیت داشتم.

آن موقعیت متفاوتی بود. خدا درک جزئی از موقعیت ندارد. و روز آخر انگیزه‌ها، (متن انگلیسی جدید (و اهداف، (متن انگلیسی جدید (دل را آشکار خواهد کرد.

آیا باید تا دیروقت بیدار بمانیم و نگران این موضوع باشیم؟ خیر. عیسی برای تمام گناهان ما مرد. ما باید تا جایی که انگیزه‌هایمان را درک می‌کنیم، صادق باشیم.

آیا ما آنها را کاملاً درک می‌کنیم؟ نه. آیا این وظیفه من است که در مورد آنها فکر کنم، به درون خود بروم و سعی کنم همه چیز را پاک کنم؟ نه، نه. این گمراه‌کننده است.

نه، تو ادامه بده، تو برای خداوند زندگی می کنی. وقتی چیزهایی آشکار می شوند، آنها را اعتراف می کنی. من مؤمنانی را می شناسم که سال ها چیزهایی در زندگی شان داشتند که نباید می بود.

آنها حتی نمی دانستند، و یک اتفاقی می افتد، و بعد می بینند، خدای من، من بیست سال است که در قلبم نسبت به آن شخص کینه و تلخی را پرورش می دهم. کینه آنجا بود. آنها هرگز نمی دانستند.

خدا این را به آنها نشان داد. آنها فوراً توبه کردند. آیا واقعاً فکر می کنید که از همه گناهان خود آگاه هستید؟ اما خوشبختانه، خدا می داند و عیسی برای آنها مرد.

می خندی و گریه می کنی. هر سخن بی ملاحظه ای مورد داوری قرار خواهد گرفت. متی ۱۲، ۳۶.

عیسی واعظی سرسخت است. وای. درخت را از میوه اش می شناسند.

درخت خوب از میوه خوبش شناخته می شود و درخت بد از میوه بدش. ای افعی زادگان!

البته او مثل نورمن وینسنت پیل مهربان نبود که با همه با مهربانی صحبت کند. نه، او مهربان است و رهبران، مذهبی را که به مهربانی نیاز دارند، به باد انتقاد می گیرد. من از فصل ششم کتاب اعمال رسولان شگفت زده ام، جایی که بسیاری، حتی در میان کاهنان، به او ایمان داشتند.

آیا اگر او با بی رحمی از کنار همه آنها می گذشت، چنین می کردند؟ نه، نه. او آنها را به باد انتقاد گرفت و این در ذهن برخی از آنها ماند. آنها شروع به پرسیدن کردند و این باعث ایجاد شک و تردید شد و بعداً به لطف خدا ایمان آوردند. چگونه می توانید وقتی شریر هستید، خوب صحبت کنید؟ زیرا از فراوانی قلب، زبان صحبت می کند.

شخص نیک، از گنجینه نیک درونش، نیکی به بار می آورد. شخص بد، از گنجینه بد درونش، بدی به بار می آورد. بنابراین، به شما می گویم، در روز داوری، این زمان بندی را تعیین می کند، مردم برای هر کلمه بی دقتی که می گویند، حساب پس خواهند داد، زیرا با کلمات خود، عادل شمرده می شوید و با کلمات خود، محکوم خواهید شد.

قضاوت بر اساس اعمال ماست. نه، بر اساس لطف و ایمان است. آنچه انجام می دهیم از لطف و ایمان سرچشمه می گیرد.

اگر ایمان آورده ایم، اگر نیاورده ایم، ما درخت بدی هستیم که چیزهای بد، سخنان بد، افکار بد، اعمال بد را تولید می کنیم و به حق محکوم هستیم. مردم به خاطر ایمان نیاوردن به عیسی محکوم نمی شوند. اشتباه برداشت نکنید.

تنها راه فرار، ایمان آوردن به عیسی است، اما این چقدر از جانب خدا منصفانه خواهد بود؟ شما هرگز نشنیده اید، بنابراین محکوم هستید. نه، آنها محکوم هستند، و اگر هرگز نشنیده باشند، تا جایی که من می دانم، به خاطر افکار، گفتار و کردار گناه آلودشان محکوم هستند. به همین دلیل است که در دادگاه تجدیدنظر هیچ فرجام خواهی وجود ندارد.

خدایا، تو نمی فهمی. من کار نیک بیشتری انجام دادم. نه، آنها فقط ساکت هستند.

آنها فقط محکوم شده‌اند. اما مهم‌تر از همه، بارها و بارها، قضاوت بر اساس اعمال است. ما این را در متی ۱۹ و دیدیم ۱۸:۵.

دیگر بر نمی‌گردم. با صدای پسر انسان، مقبره‌ها گشوده خواهند شد و مردم بیرون خواهند آمد. کسانی که بدی کرده‌اند، به سوی قیامت داوری خواهند رفت.

پسر، این خیلی منطقیه. این خوبه. این کاملاً درسته.

کسانی که نیکی کرده‌اند، رستخیز حیات خواهند داشت، آیا این رستگاری از طریق اعمال است؟ نه، این داوری از طریق اعمال است. حدس بزنید کسانی که نیکی کرده‌اند چه کسانی هستند؟ افرادی که به عیسی ایمان دارند، به لطف رایگان خدا نجات می‌یابند. و همانطور که جان موری به ما یادآوری کرد، اتفاقاً او با تفسیر من از رومیان ۲ موافق بود.

NICNT او می‌گوید، نگاه کن. او نمی‌گوید نگاه کن. تفسیر رومیان او، نوشته جان موری، جلد قدیمی.

رستگاری فقط عادل شمرده شدن نیست. بلکه تقدیس مادام‌العمر نیز هست. این به همان اندازه که عادل شمرده شدن است، رستگاری خداست.

تقدیس یعنی خدا ما را یک بار برای همیشه تبرئه می‌کند، زمانی که به عیسی ایمان می‌آوریم و عدالت مسیح در حساب‌های بانکی معنوی ما اعمال می‌شود. رستگاری نیز کار اوست. و این می‌تواند در داوری نهایی آشکار شود.

ایمان می‌تواند خود را نشان دهد. یعقوب ۲، دوباره می‌گویم. تو ایمانت را بدون اعمال به من نشان می‌دهی.

این غیرممکن است. و من ایمانم را از طریق اعمال به شما نشان خواهم داد. مکاشفه ۲۰.

خیلی جذاب. در چند قسمت، قسمت‌هایی مربوط به تقدیر و داوری وجود دارد. در چند قسمت مربوط به داوری، آیا مضامین تقدیرگرایانه وجود دارد؟

اما در مورد بزرگ [کتاب مقدس] چنین چیزی وجود دارد. گرگوری بیل در تفسیر آمرانه‌اش از مکاشفه درست می‌گوید. نقدهای این تفسیر توسط همه، از جمله لیبرال‌ها، می‌گوید که این تفسیر، تفسیری قابل توجه از آخرالزمان است.

اما تأکید در داوری تخت سفید بزرگ بر اعمال است. سپس من تخت‌ها را دیدم. این آن نیست.

سپس تخت سفید بزرگی دیدم. همین ۲۰:۱۱.

و آن کس که بر آن نشسته بود، زمین و آسمان از او می‌گریزند، چنانکه پیشتر گفتیم. آنگاه مردگان را دیدم که از بزرگ و کوچک در برابر تخت ایستاده بودند. و دفترها گشوده شدند.

این دفتر اعمال است. اما دفتر دیگری گشوده شد که دفتر حیات است. و مردگان بر اساس آنچه در دفترها نوشته شده بود، بر اساس اعمالشان، داوری شدند.

این کتاب‌ها هستند، بر اساس کارهایی که انجام داده بودند. این اعمال است.

دریا مردگانی را که در آن بودند، تسلیم کرد. به عبارت دیگر، رستاخیز برای همه، در همه جا، و فرقی نمی‌کند که چگونه یا کجا بمیرند. مرگ در هادس، مرگ در قبر، مردگانی را که در آنها بودند، تسلیم کرد.

و هر یک از آنها، حدس بزنید چه، بر اساس آنچه انجام داده بودند، داوری شدند. اگر نام کسی در دفتر حیات نوشته نشده بود، به دریاچه آتش افکنده می‌شد. بنابراین، دو راه برای صحبت در مورد آن وجود دارد.

از نظر مسئولیت انسانی، ما بر اساس اعمالمان قضاوت می‌شویم. یا آشکار می‌کنیم که از طریق ایمان به عیسی، به لطف الهی نجات یافته‌ایم یا اینکه نجات نیافته‌ایم. این کتاب حیات چیست؟ بیل درست می‌گفت، گرگوری بیل، تفسیر مکاشفه.

این دفتر آسمانی قوم خداست. این سرشماری اورشلیم جدید است. این فهرست برگزیدگان است.

این تقدیر الهی در گرو فشار است. در چند متن دیگر، اشاراتی به این موضوع داریم. متی ۷، من هرگز شما را نمی‌شناختم، ای بدکاران، از من دور شوید.

پیامد؟ اگر او آنها را به طور کامل می‌شناخت، نجات می‌یافتند. او آنها را به طور کامل نمی‌شناخت. او همه را می‌شناسد.

او همه چیز را در مورد آنها می‌داند. او در مورد علم مطلق خود صحبت نمی‌کند. او این را انکار نمی‌کند.

نه، او درباره یوحنا ۱۰ صحبت می‌کند. من گوسفندانم را می‌شناسم و آنها هم مرا. او درباره شناخت رستگاری صحبت می‌کند.

اما این لهجه نیست. لهجه، قضاوتی است که بر اساس اعمال انجام می‌شود. تصویر کامل، افکار، کلمات و اعمال.

بنابراین، برای خلاصه کردن آموزه‌ی داوری نهایی، این اتفاق در پایان عصر، پس از بازگشت عیسی مسیح، پس از رستاخیز انسان‌ها، رخ خواهد داد. انسان‌ها باید رستاخیز یابند تا در برابر داور، در برابر آسمان‌های جدید و زمین جدید حاضر شوند. و باید بگویم، قبل از هزاره، اگر مقدمات درست باشند، و سپس قبل از آسمان‌های جدید و زمین جدید.

. انسانی جلال خواهد یافت.

هدف ثانویه، و بسیار مهم، تعیین سرنوشت نیست، بلکه واگذاری آنهاست. سوم، درجات مجازات وجود خواهد داشت. به نظر می‌رسد که درجات پاداش نیز وجود خواهد داشت، و این با لطف الهی منافات ندارد.

این نتیجه‌ی فیض آمیخته با وفاداری انسان به جلال خداست. علاوه بر این، فرض کنیم شهرهای ذکر شده در این تمثیل، واقعی باشند. بسیار خب؟ دوست خداترس من، دیوید کالهن، فرض کنیم او ده شهر را انتخاب می‌کند و فرض کنیم پترسون یکی را.

حدس بزن چی شد؟ همه چیز متعلق به عیسی است. او متعلق به من است. من متعلق به او هستم.

بنابراین، اگر پترسونویل یک شهر و کالهنویل ده شهر داشته باشد، من می‌توانم هر زمان که بخواهم به کالهنویل بروم. پس، خدای من، به شما می‌گویم چه می‌شود، اینکه به عنوان بخشی از کل ماجرا، مطرح

شوم، جلال پیدا کنم، تقدیس شوم و روی زمین جدید باشم، این تمام چیزی است که در کتاب من آمده است. مورد دیگر، تزیین کیک است و اگر خدا می‌خواهد به برخی از بندگانش پاداش بیشتری بدهد، نام او را ستایش کنید.

این فوق‌العاده‌ست. من عاشقشم. شرایط روز قیامت

،خدا قاضی است. به صراحت، در نیمی از متن پدر و در نیمی دیگر پسر است. خدای من، پسر خداست. دوستان من.

هیچ انسان یا فرشته‌ای در روز داوری نهایی جای خدا را نمی‌گیرد. چه کسی داوری می‌شود؟ فرشتگان شریر داوری می‌شوند. نه تنها این، بلکه انسان‌های شریر نیز داوری می‌شوند.

آیا همه انسان‌ها در پیشگاه داوری حاضر نخواهند شد؟ بله. در این متن، منظور ما داوری منفی است. ما در برابر انسان‌ها و فرشتگان عادل اعلام خواهیم شد.

انجیلی که اکنون می‌شنویم، حکمی دقیق و از پیش صادر شده از حکم روز آخر است، حکمی که هنوز برای عادل شمرده شدن ما صادر نشده است. از نظر فنی، عادل شمرده شدن، همانطور که در رومیان ۵:۱۹ آمده است، و متن متی که در آن عیسی گفت، با سخنان خود نجات خواهید یافت. متی ۱۲:۳۵، درست در همانجا، ۳۵، ۳۶، ۳۷.

با کلمات، عادل شمرده خواهی شد؛ با کلمات، راضی خواهی شد. عادل شمرده شدن، مانند هر جنبه‌ی دیگری از رستگاری، از نظر فنی و به درستی، هنوز نه. او، واقعاً همینطور است. ما الان آن را درک می‌کنیم. واقعاً، واقعاً، اما تا حدی آن را درک می‌کنیم.

شما هنوز چیزی ندیده‌اید. ما در روز آخر عادل شمرده خواهیم شد. بدون شک، تمام کسانی که واقعاً در این زندگی، در حال حاضر، توسط عیسی عادل شمرده شده‌اند، در آن روز، به عنوان جنبه‌ای از رستگاری که هنوز به آن نرسیده‌ایم، در برابر خدا و فرشتگان عادل اعلام خواهند شد.

اگرچه برای برخی دشوار است که این را که عملکرد الهیات سیستماتیک است، با سایر داده‌های کتاب مقدس هماهنگ کنند، اما داوری نه بر اساس ایمان، بلکه بر اساس ایمانی که آشکار می‌شود، خواهد بود. شما نمی‌توانید ایمان و خدا را فقط برای قضاوت قضاوت کنید؛ ما را با ایمان قضاوت کنید. ایمان، همانطور که نشان داده شده است، ایمان خود را با اعمال خود به من نشان دهید.

دقیقاً همین کار را می‌کند. و میوه بد درختان بد، به محکومیت منجر می‌شود. میوه خوب خوب، چگونه من به درخت خوبی تبدیل شدم؟ به فیض از طریق ایمان.

و ضمناً، آن تقدیس مادام‌العمر، که جایی است که آن اعمال نیک ظاهر می‌شوند، کار است، مگر کار من نیست؟ بله، کار ماست. ما در توجیه کار نمی‌کنیم. ما در تقدیس با خدا همکاری می‌کنیم.

آه، پس همه اینها به افتخار ماست، درست است؟ نه. خدای من. این به افتخار تثلیث است.

تثلیث آن میوه‌های خوب را به بار می‌آورد. مدرکی به من بدهید. خوشحال می‌شوم که این کار را بکنم.

، این خداست، فیلیپیان ۲، آیهی کامل، بهتر است دیگر آیهی کامل نگویم. این خداست، پدر، پسر، روح القدس، خالق، که در ما برای اراده و عمل به خاطر خشنودی خود عمل می کند. به طور خاص فیلیپیان ۲: ۱۲ و ۱۳.

پسر میوه می دهد. ما نمی توانیم جدا از او کاری انجام دهیم، یوحنا ۱۵. اعمال نیکویی که در داوری که به وسیله آن تبرئه می شویم، ظاهر می شوند، میوه ای هستند که ما تولید می کنیم، میوه ای که خداوند در ما و از طریق ما با همکاری ما، با پیوستن ما به تکی که عیسی است، تولید می کند.

آیا می گویم که اعمال نیکوی تقدیس، اعمال پدر و پسر هستند؟ بله، و از روح القدس، غلاطیان ۵. ثمره روح القدس، عشق، شادی، آرامش و صبر است. تثلیث این چیزها را در ما ایجاد می کند. بنابراین، هیچ دلیلی وجود ندارد که ما آنها را انجام دهیم.

اوه، ما قطعاً آنها را انجام می دهیم. ما به لطف خدا آزادانه نجات یافته ایم. اراده ی مقید ما آزاد شده است، و اکنون ما با خدا برای جلال او همکاری می کنیم.

پدر، پسر و روح القدس در ما کار می کنند، و ما، به عنوان شریک کوچک در شرکت حقوقی، به عنوان بازیکن، به عنوان مدیر خدا، از او اطاعت می کنیم. ما به قدرت او اعتماد داریم. ما جلال او را ستایش می کنیم.

ما با او گام برمی داریم، و این نیز به لطف اوست. ما به سوی جایگاه ابدی، مجازات ابدی، حرکت می کنیم. جهنم، به معنای هنوز-نشده، همانطور که دیدیم، یک جهنم میانی وجود دارد.

لوقا ۱۶، مرد ثروتمند به آنجا می رود. دوم پطرس ۱، دوم پطرس ۹: ۲، اما در واقع این جهنمی نیست که ما در مورد آن صحبت می کنیم. جهنم، وضعیت نهایی است.

این پس از آمدن دوم مسیح است. گوسفندان و بزها، متی ۲۵: ۳۱. پسر انسان در جلال خود می آید، ملت ها را تقسیم می کند.

از من دور شوید، شما به آتش ابدی ملعون هستید، متی ۲۵: ۳۱. این پس از رستاخیز است. به صدای پسر انسان، آنها از قبرهایشان، از مقبره ها، برخی برای رستاخیز داوری بیرون خواهند آمد.

مجازات ابدی پس از داوری آخر می آید، مکاشفه ۱۱: ۲۰-۱۵. من تخت سفید بزرگ را دیدم. همه در مقابل او ایستاده اند، و برخی به دریاچه آتش افکنده می شوند.

بنابراین، مجازات ابدی، جهنم به عنوان آخرین مرحله است، نه مرحله میانی. ثانیاً، ارباب جهنم. برای من سخت است که باور کنم در این مورد سردرگمی وجود داشته است، اما در تاریخ کلیسا وجود داشته است.

ارباب جهنم، همانطور که ارباب هر چیز دیگری است، خداوند متعال است. خدای من. نه شیطان.

شیطان در جهنم به بدترین مجازات می رسد. متی ۲۵: ۴۱. از من دور شو، و به آتش ابدی ملعون خواهی شد.

برای شیطان و فرشتگانش آماده شوید، مکاشفه ۱۰: ۲۰. شیطان که آنها را فریب داد، به دریاچه آتش افکنده شد، جایی که او، پیامبر دروغین و وحش، شبانه روز تا ابد عذاب خواهد کشید. شیطان ارباب هیچ چیز نیست.

خب، او خدای پادشاهی شیطانی خودش است. چطور ممکن است؟ او قطعاً خدای بهشت یا جهنم نیست. خدا مالک آسمان و زمین و جهنم است.

اگر چیز دیگری هست که از قلم انداخته‌ام، او خداوند آن نیز هست. او خداست. لوقا ۵: ۱۲. به شما می‌گویم، آیه ۴، لوقا ۱۲، از کسانی که جسم را می‌کشند و پس از آن دیگر کاری از دستشان بر نمی‌آید، نترسید.

اما به شما هشدار می‌دهم که از چه کسی باید بترسید. از کسی بترسید که پس از کشتن، اختیار دارد به جهنم بیندازد. آیا این شیطان است؟ نه، البته خداست.

یک واقعیت بسیار تکان دهنده برای بسیاری این است که خدا در جهنم حضور دارد. این موضوع نباید ما را واقعاً متعجب کند. خدا در همه جا حضور دارد.

اوه، بیخیال، این ماجرای حضور خدا در جهنم رو از کجا میاری؟ در واقع، در مکاشفه ۱۴، این بره است رایج‌ترین تصویر مسیح در آخرالزمان. مکاشفه بره است. در واقع، هر بار، اما یک بار، شاید حدود ۱۴ بار استفاده شده باشه، من تعداد دقیقش رو ندارم.

یک بار در یک تشبیه متا-مانند، جانوری که از دریا بیرون می‌آید شاخ‌هایی مانند بره دارد. در مواقع دیگر، پسر خداست. البته، صحبت از قربانی شدن او، از نجات‌دهنده بودن او.

و مکاشفه ۱۴ قدرتمند است. مکاشفه ۱۴، بت‌پرستان در روز آخر، ۱۴:۱۰، شراب خشم خدا را خواهند نوشید، قدرت کامل را در جام خشم او ریخته‌اند. و او در حضور فرشتگان مقدس و در حضور بره با آتش و گوگرد عذاب خواهد دید.

و دود عذاب آنها تا ابد بالا می‌رود. شب و روز آرامشی وجود ندارد. فرشتگان مقدس در جهنم خواهند بود، نه رنج خواهند برد، بلکه خدا را به خاطر جلالش ستایش می‌کنند.

و قداست، تقدس، عدالت، خشم. جانانان ادواردز درست می‌گویند. خدا همه جا حاضر است.

اوه، او در همه جا به یک شکل حضور ندارد. او در آسمان یا زمین جدید در فیض، رفاقت، عشق، رحمت ارتباط و جلال حضور دارد. او در جهنم نیز در جلال حضور دارد.

او در آسمان یا زمین جدید با جلال، قدوسیت، عدالت و خشم حضور دارد. خدا در جهنم نیز حضور دارد. در سخنرانی بعدی‌مان، جهنم را توصیف خواهیم کرد و سپس، هللوایه، به توصیف آسمان‌ها و زمین جدید خواهیم پرداخت.

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱۹ است. داوری نهایی، اهداف، شرایط، وضعیت ابدی، مجازات ابدی.